

## صحت سنجی نسبت کتاب مصباح الشریعة به امام صادق (ع)

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال<sup>۱</sup>: میزان صحت نسبت کتاب (مصباح الشریعة) به امام جعفر صادق ع چقدر است؟

پاسخ: میزان نسبت کتاب «مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة» به امام صادق ع نامعلوم است چرا که این کتاب هیچ سندی ندارد. شیخ حر عاملی در کتاب «تفصیل وسائل الشیعة»، بر این کتاب اعتماد نمی کند. در حالی که محدث نوری این کتاب از جمله مصادر کتاب «مستدرک الوسائل» خود قرار می دهد. به نظر می رسد اولین کسی که از این کتاب سخن گفته ابن طاووس (۶۶۴ هـ) است که آن را کتاب لطیف و شریف توصیف می کند. (ر.ک: الأمان من أخطار الأسفار والأزمان: ۹۲). شهید ثانی (۹۶۵ هـ) در بعضی از کتاب های اخلاقی خود از این کتاب زیاد نقل کرده است. همچنان که ابن ابی جمهور أحسائی این کتاب را یکی از مصادر خود در عوالی اللئالی قرار می دهد و....

اما علامه مجلسی (۱۱۱۱ هـ) در این کتاب تردید کرده و معتقد است اسلوب این کتاب با دیگر کلمات اهل بیت شباهتی ندارد. وی می گوید: «کتاب مصباح الشریعة فیه بعض ما یریب اللیب الماهر، وأسلوبه لا یشبه سائر کلمات الأئمة وأثارهم..» (ر.ک: بحار الأنوار ۱: ۳۲)، [عالم] معاصر شیخ مسلم داوری می گوید: «إنّ الكتاب وإن کان غیر محتاج إلى طریق، إلا أنّ نسبتہ إلى الإمام غیر محرزة»، (ر.ک: أصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق: ۳۶۳)، آغا بزرگ

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۰۸.

طهرانی (۱۳۸۹هـ) می گوید: «ورایت نسخه کتب فی حاشیتها نقلاً عن خطّ الشیخ سلیمان الماحوزی، ما سمعه الشیخ سلیمان عن العلامة المجلسی، أنه كان يقول المجلسی أن مؤلّف (مصباح الشریعة) هو شقیق البلخی» (ر.ک: الذریعة إلى تصانیف الشیعة ۲۱: ۱۱۱)، سید حسن صدر (۱۳۵۱هـ) رساله ای تألیف کرده در این زمینہ کہ مولف این کتاب سلیمان صهرشتی شاگرد سید مرتضی است کہ آن را از کتاب شقیق بلخی خلاصہ کرده است.

آقای خمینی می گوید: «أما رواية مصباح الشریعة، الدالة على التفصیل بین وصول الغیبة إلى صاحبها وعدمه، فلا تصلح للاستناد إليها؛ لعدم ثبوت كونها رواية فضلاً عن اعتبارها، بل لا یبعد أن يكون كتابه من استنباط بعض أهل العلم والحال ومن إنشاءاته، هذا كلّه مع الغض عن إسناد الروایات والقرائن القائمة فی متونها، وإلا فأبواب المناقشة فی الإسناد والدلالة فی كثير منها مفتوحة، حتى فی الصحیفة المباركة السجادية فإنّ سندها ضعيف، وعلوّ مضمونها وفصاحتها وبلاغتها وإن توجب نحو وثوق على صدورها، لكن لا توجب فی جميع فقراتها واحدة بعد واحدة، حتى تكون حجةً يستدل بها فی الفقه. وتلقّي أصحابنا إياها بالقبول كتلقیهم نهج البلاغة به لو ثبت فی الفقه أيضاً، إنما هو على نحو الإجمال، وهو غير ثابت فی جميع الفقرات» (ر.ک: المكاسب المحرمة ۱: ۳۲۰).

محدث نوری تلاش می کند کلمات علمای متأخر پیرامون این کتاب را جمع کند اما تاثیر مهمی در اعتبار کتاب برجای نمی گذارد. دیدگاه افرادی همچون ابن ابی جمهور احسائی، عبد الله افندی، صاحب ریاض العلماء، وی برخی ملاحظات ایشان را با مناقشاتی که برخی از آن خوب و مفید هستند مورد مناقشه قرار می دهد بی آن که سندی برای این کتاب ذکر کند بلکه به عدم وجود سندی برای این کتاب اقرار و اعتراف می کند اما معتقد است شهادات علمایی همچون شهید ثانی، ابن طاووس و کفعمی (۹۰۵ هـ) برای اطمینان به نسبت این کتاب به امام صادق کافی است (ر.ک: خاتمة المستدرک ۱: ۱۹۴-۲۱۶).

به صرف نظر از تمام مناقشات و پاسخ های آن، آیا به صرف نسبت ابن طاووس که پنج قرن با دوران امام صادق ع فاصله دارد بی آن که عین و اثری از این کتاب در قرون پیشین باشد، - واقعاً - می تواند موجب اطمینان به نسبت این کتاب به امام شد؟ چه رسد به سخن کفعمی و شهید ثانی در قرن دهم هجری! آن چه که قابل ملاحظه است استناد به این کتاب در کتب

اخلاقی نه کتب فقهی، اجتهادی و کلامی است. همیطور نسبت به عبدالله افندی و دیگر علمای متأخر.

در نتیجه، نسبت این کتاب به امام صادق محرز نیست و هیچ طریق صحیحی به آن وجود ندارد و هیچ دلیلی صدور آن از امام ع را ثابت نم یکنند. بنابراین برای استناد به روایات این کتاب باید هر روایت را تک تک مد نظر قرار داد که آیا مصدري دیگری برای این حدیث در کتاب های دیگر قرار دارد که از ناحیه حدیثی و تاریخی ثابت و معتبر باشد.